

معرفی کتاب



فرهنگ جامع موسیقی ایرانی بهروز وجدانی نشر گندمان،

از نسلی به نسلی و از استاد به شاگرد منتقل شده و بخشی از آن در دست هنرمندان سنتی کنونی است بدون آنکه مجالی و امکانی برای انتقال درست و به موقع آنها به نسل حاضر و آینده باشد، از بین می‌رود بدون اینکه متوجه باشیم هر لحظه به بی‌هویتی نزدیکتر می‌شویم.

بیشتر فرهنگ‌شناسان، میراث فرهنگی معنوی یا غیرمادی را سرچشمه‌ی اصلی هویت فرهنگی می‌دانند که ریشه‌ی عمیقی در گذشته دارد و بقا و حیثیت هر ملتی در گرو توجه و سرمایه‌گذاری در این حوزه است. در گذشته که فرهنگی سنتی در بیشتر جوامع حکمفرما بود نیازی به مستندسازی دقیق و همه‌جانبه‌ی این گونه‌ها از میراث‌های غیرمادی نبود چرا که فرهنگ سنتی و بومی توانایی حفاظت از خود و انتقال درست آن به نسل‌های بعدی را داشت ولی در زمان کنونی که بنابر علل بی‌شمار تمام عناصر فرهنگی هویت‌ساز از جمله موسیقی، از همه سو مورد تهاجم و بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند ما نیاز مبرم به مستندسازی و پژوهش‌های علمی و جامع با استفاده از تمام امکانات و ظرفیت‌های علمی و تکنولوژی و حتی تدوین قوانین و مقررات حقوقی و لازم‌الاجرا و حمایت‌های دولتی پیدا کرده‌ایم.

اسناد و مدارک موسیقایی از ارزش و اهمیت علمی بسیار زیادی برخوردارند، چرا که ما را در شناخت درست‌تر و همه‌جانبه‌ی فرهنگ جامعه‌ی

کتاب «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» قطره‌ای از دریای بی‌کران موسیقی ملی ما ایرانیان است که در طی تاریخ باذوق، اندیشه، خلاقیت، باورها و اعتقادات، جهان‌بینی، هنر، علم، دانش و فناوری پیشینیان شکل گرفته و به صورت شفاهی و تا حدی مکتوب به دست ما رسیده است. موسیقی یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین عنصرهای فرهنگی به ویژه در جوامع سنتی و بومی است. مردمی که در این گونه جوامع زندگی می‌کنند از صبح تا شب، از تولد تا مرگ، در شادی و سوگ، در فعالیت و استراحت و تمام عرصه‌های زندگی خود با نوعی موسیقی سروکار دارند و به بیانی ساده‌تر موسیقی با زندگی آنها پیوندی ناگسستنی دارد.

خصلت اصلی موسیقی‌های سنتی و بومی یعنی شفاهی بودن آن سبب شده که با فقدان هر مجری موسیقی بخشی از این میراث فرهنگی معنوی گران‌سنگ نیز به دست فراموشی سپرده شود یا از بین برود که برای حفظ و تداوم هویت فرهنگی جوامع سنتی و بومی بسیار مشکل‌آفرین می‌باشد. امید است که این واقعیت تاریخی مورد مهر و اعتنای بیشتری واقع شود و باور کنیم که با مرگ هنرمندان سنتی به ویژه در حوزه‌های شفاهی آن مثل موسیقی که مجریان صاحب نام آنها نیز نیاز و اعتنایی به مستندسازی آموخته‌ها و تجربیات خود پیدا نمی‌کنند، دانش و هنری که طی هزاران سال

مورد مطالعه کمک می‌کند. مستندسازی انواع موسیقی جوامع سنتیاز جمله ایران که هر روز در حال کم رنگ شدن و فراموشی می‌باشند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و اگر در این کار مهم کوتاهی ورزیم، آیندگان را از تجربه، دانش، مهارت، خلاقیت و ذوق هنرمندان گذشته که نقش سازنده‌ای در هویت فرهنگی و ملی ما داشته‌اند، محروم خواهیم کرد که گناهی است نابخشودنی و غیرقابل جبران.

هر کشور و قومی که مدعی است در بخشی از تمدن جهانی سهمیه بوده است، در واقع به میراث فرهنگی معنوی خود می‌بالد و مباحثات می‌کند. موسیقی نیز شاخص‌ترین و تأثیرگذارترین عنصر فرهنگ سنتی است که مورد تهدیدهای جدی همه جانبه از سوی مجریان و علاقه‌مندان ناآگاه و تنگ‌نظر و دشمنان آگاه و قسم خورده می‌باشد. این نگرانی نیز روز به روز بیشتر می‌شود که ادامه‌ی این روند در جامعه کم و بیش سنتی ما که در حال گذار به جامعه‌ای صنعتی و مدرن می‌باشد سبب شود که رابطه‌ی نسل کنونی و آتی با گذشته و ریشه‌هایش به طور کلی قطع شود و در نتیجه راه برای تهاجم همه جانبه‌ی فرهنگی‌های غیر ایرانی بر این فرهنگ غنی و اصیل فراهم شود. اگر چه این اتفاق نامیوم در تمام جوامع بومی و سنتی سراسر جهان نیز کم و بیش رخ می‌دهد و به قول برخی از فرهنگ‌شناسان واقعیتی است که جای تأسف ندارد ولی می‌توان با آگاهی از این پدیده‌ی مخرب و برخورد منطقی و علمی با آن، سرعت تهاجم آن را کمتر و تا حدی مهار کرد.

یادآوری این نکته ضروری است که در جمع‌آوری و تدوین واژگان این کتاب مرزهای جغرافیایی کنونی کشورمان مورد توجه نبوده است چرا که دامنه‌ی فرهنگ ایرانی در تمام رشته‌های هنری به ویژه موسیقی به قدری گسترده است که نشانه‌های آن را در دورترین نقاط شرق و غرب و جنوب آسیا و حتی قسمت‌هایی از قاره‌های اروپا و آفریقا می‌توان جست‌وجو کرد. در حال حاضر نیز واژه‌ها، اصطلاحات، تعبیر، مفاهیم و نام‌های موسیقایی ایرانی به صورت تغییر شکل یافته و گاهی دست نخورده در موسیقی اقوام و ملل

مختلف از کوهپایه نشینان هیمالیا گرفته تا جزایر اندونزی، شبه قاره‌ی هند، آسیای میانه و قفقاز، کشورهای عربی و ترک‌زبان و یوگسلاوی و بالاخره تا کشورهای شمال و مرکز آفریقا دیده می‌شود. برای نمونه می‌توان از آهنگی به نام «طبع عراق عجم» نام برد که در موسیقی آوازی مراکش و تونس اجرا می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» توجه به ابعاد تاریخی شکل‌گیری و ظهور واژگان موسیقی ایرانی است که با پژوهش و بررسی کتاب‌های تاریخی و ادبی قابل دسترس تا حدی امکان‌پذیر شده است. متأسفانه توجه موسیقی‌نویسان، تاریخ‌نویسان موسیقی ایرانی و پژوهشگران این هنر والا صرفاً معطوف به استادان و هنرمندان موسیقی رسمی شهری بوده که آنها را در قالب مکاتیبی مثل تهران، تبریز، قزوین، شیراز و اصفهان (پایتخت‌ها و ولیعهدنشینان سده‌های اخیر) گرد آورده‌اند. ادامه‌ی چنین حرکتی منجر به نوعی نگرش یک بعدی به موسیقی ایرانی شده است. در حالی که موسیقی ملی ایران محدود به شهرها و مکاتب هنری شکل گرفته در آنها نمی‌شود بلکه این هنر هویت‌ساز که در طی تاریخ از آن به عنوان فن، صنعت، علم، دانش، وسیله بیان احساسات و به قول سعدی شیراز «دوای روح» نام برده شده، دارای اشکال بسیار گوناگون است و در تمام عرصه‌های زندگی عموم مردم ایران از شهری، روستایی و ایلی حضور و نقشی فعال ایفا کرده است. با این تفکر «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» شکل گرفته است. موسیقی ملی ما حاصل تلاش تمام هنرمندان و استادان شناخته شده‌ی شهری و دانشگاهی و هنرمندان و استادان کم‌تر شناخته شده و حتی گمنام روستایی و ایلات و عشایر سراسر ایران است که با رنج، مشقت و تعهد قابل تحسین و تقدیری به پاسداری و انتقال این عنصر قوی، پویا و تأثیرگذار فرهنگی در طی تاریخ پرداخته‌اند و بدون تردید هویت ملی و فرهنگی تمام مردم ایران مرهون تلاش‌های صادقانه و دلسوزانه همه‌ی آنها است.

در واژه‌نگاری و تنظیم این فرهنگ نکات زیر در حد توان و امکان رعایت شده است:

۱- آوانویسی واژه‌ها براساس آوانویسی فرهنگ معین صورت گرفته است.

۲- برای نغمه‌نگاری (نت‌نویسی) گوشه‌ها، آوازها و دستگاه‌های موسیقی ایرانی از کتاب‌های زیر استفاده شده است:

- آواشناسی موسیقی ایرانی، تألیف شادروان علینقی وزیری
- گام‌ها و دستگاه‌های موسیقی ایرانی، تألیف شادروان دکتر مهدی برکشلی

۳- سایر علامت‌ها، نشانه‌ها، تصویرها و جدول‌ها نیز از میان کتاب‌ها و نشریات معتبر و شناخته شده موسیقی ایرانی انتخاب شده‌اند.

۴- از بین تعریف‌های ارائه شده، ساده‌ترین، گویاترین و جامع‌ترین تعریف‌ها انتخاب شده که ضمناً مکمل یکدیگر باشند.

۵- برای آگاهی خوانندگان محترم این فرهنگ در پایان کتاب فهرست منابع و مأخذ مورد استفاده آمده است.

بیشتر طرح‌ها و تصویرهای مربوط به سازهای نواحی مختلف ایران از کتاب دایره‌المعارف سازهای ایران (جلد ۱ و ۲) آقای محمدرضا درویشی می‌باشد.





آثار عجم فرصت‌الدوله شیرازی انتشارات امیر کبیر

فرصت‌الدوله‌ی شیرازی فیلسوف، ریاضی‌دان، مورخ، شاعر، موسیقی‌دان و نقاش نام‌آور شیرازی که از مریدان و علاقه‌مندان حافظ شیرازی و سعدی بوده است، از نویسندگان معروف عصر ناصری است. وی دارای آثار متعددی می‌باشد از جمله مشهورترین آنها آثار عجم که شرح سیاست اوست. در شرح این مسافرت و مشاهدات ذکر نکته چند ضروری است: اول آنکه وی به روش جدید به معاینه و مساحی پرداخته و دوم آنکه از نتایج پژوهش‌های اروپاییان استفاده کرده که در نتیجه کتاب هم بیانگر سطح دانش عصر خود و هم نشانگر وضعیت آن آثار و اوضاع جغرافیایی و تا حدودی مسائل تاریخی همان دوره است. فرصت‌الدوله در کتاب خود «آثار عجم» می‌نویسد:

«در نظر شخص سخن‌شناس منتبح، اشعار خواجه چون آفتاب روشن و ظاهر است. سبکی و طرزی اوراست که دیگران را نیست لآلی آبدار هر غزلی از او آویزه گوش و گردن روزگار است، و در ورای اشعار هر ورقی از دیوانش، زیور ساعد لیل و نهار. سالکان سالک طریقت را از آن راحتی موافست دناهجین مناهج حقیقت را نعمتی مهنا. کتاب مرقوم پیشه‌دهه المقربون، از غایت اشتهاری که دیوان آن جناب راست، اشعاری از آن نوشته نشد چنان که از شیخ سعدی به همین لحاظ بیتی مرقوم نیفتاد.»

فرصت‌الدوله شیرازی را مانند دیگر هنرمندان این سرزمین، نمی‌توان در محدوده‌ای خاص بررسی کرد. او در نقاشی، باستان‌شناسی، شعر، معماری، خوشنویسی، ریاضی و نجوم جایگاهی خاص و تعریف شده دارد. دیوان اشعار وی شامل غزلیات، قصائد و ترجیعات و رباعیات گوناگونی است که به تقلید از شیوه‌ی سعدی سروده شده است و دربرگیرنده‌ی اندیشه‌های عرفانی شاعر و اندیشه‌های آزادی‌خواهانه‌ای اوست.

بحورالاحسان در موسیقی و نسبت آن با عروض به فرصت‌الدوله این امکان را می‌دهد که آموخته‌هایش را در زمینه‌ی موسیقی و شناخت دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی اصیل ایرانی در رابطه با اوزان و اشعار شاعرانی چون حافظ و سعدی آشکار نماید. او در خوشنویسی و پیکرنگاری و مطالعه و تحریر خط منحنی نیز مهارت داشته است.

فرصت‌الدوله در کار نقاشی سیاه قلم بسیار چیره‌دست بود و نقاشی را به مدد ذوق و تجربه و مهارتش آموخت. در دیوان اشعارش با نام «دبستان

الفرضه» می‌نویسد:

«... سنم تازه به بازده رسیده بود، بسیار مایل شدم که گاهی در صنعت نقاشی اوقاتی نیز صرف کنم، به واسطه اینکه پدرم در زمان طفولیت تفنناً به حکم پدرش بدین علم مبادرت نموده بود و در فنون نقاشی تذهیب را دارا بود و صفایح صفحات را زینت‌آرا. ولی من مایل به صورت‌نگری بودم و این کالای والا را مشتری بسیاری از کارهای فرنگستان و باسهمه‌های انگلستان را جمع کرده و از روی آنها مشق می‌کردم و به پدر خود می‌نمودم و تعلیم می‌گرفتم. اتفاقاً اگر به استادی می‌رسیدم نیز کسب اطلاع می‌کردم و از روی برهان این عمل را به درجه کمال رسانیده که مدد معاش والدین و اخوان و متعلقاتم از این رهگذر بود...»

کتاب «آثار عجم» را می‌توان مهم‌ترین تلاش این نقاش و مورخ شیرازی دانست که علاوه بر مطالب، نقاشی‌هایی نیز ارائه داده که هر یک سندی گویا از آثار و بناهای عصر نقاش است. کتاب بر موضوعات زیر استوار شده است:

- تاریخ شاهان و بزرگان، احوال شعرا، عرفا و هنرمندان فارس و بعضی عقاید آنها
- اطلاعاتی تاریخی، جغرافیایی و باستان‌شناسی در مورد مناطق دیگر ایران و مجاورین آن.
- مختصری از تاریخ اسلام و یاران پیامبر، حکما قبل از اسلام، عرفا متقدم و موخر، احوال علما و دانشمندان و شاعران عرب
- موضوعات علمی در مورد حکمت، ریاضیات، معانی و بیان
- گزیده‌ای از اشعار شاعران عرب و فارس
- بعضی از اشعار مؤلف کتاب
- شرح آثار باستانی سرزمین‌هایی چون مصر، بابل و...
- سفرنامه نویسنده
- اوضاع شیراز در همان زمان، توصیف بناها، بقعه‌ها، باغات، مساجد و...
- شیراز و ذکر احوال حکما، اطباء، خوشنویسان و شاعران آن شهر
- فهرستی از حاکمان شیراز (از زمان محمدبن یوسف ثقفی ۷۴ ق. تا رکن‌الدوله محمدتقی میرزا پسر محمدشاه قاجار ۱۳۱۳ ق) حکومت فرمانروایی

چون عبدالملک بن مروان اموی تا مظفرالدین شاه قاجار را دربر دارد.

این بخش مهم‌ترین بخش آثار عجم می‌باشد.

فرست‌الدوله آثار عجم یا شیرازنامه را در سال ۱۳۱۳ هجری به پایان رساند و یک سال بعد در بمبئی منتشر کرد. به گفته وی حاصل کار و پژوهش و نقاشی‌هایش در ابتدا به هدر می‌رود. در مقدمه‌ی آثار عجم می‌نویسد:

«... یکی از صاحبان دولت بهیبه انگلیس، به توسط شخصی از پارسیان ما «نکحجی» نام که از امنای شورای دارالخلافه بود، دستورالعملی را نوشته، از آنجا فرستاده که فقیر، بعضی از آثار قدیمه فارس را نقشه برداشته و پاره‌ای از مرتفعات را مهندسی نموده و برخی از اراضی را مساحت کرده به جهت مشارالیه بفرستم. لہذا چندی پی سیر دشت و بیابان شده این خدمت مرجوعه را به انجام رسانیدم. پس از فرستادن نقشه‌ها ۳ کتابچه که در تفصیل آنها نوشته بودم، به جانب دارالخلافه خبر رسید که آن شخص پارسی بدرد جهان را گفت و آن نقوش در ضمن ترکه‌اش ضبط شد. از این مطلب افسوس می‌داشتم که رنج فقیر به هدر رود و اجرم ضایع گردد، یعنی هنوز به طبع نرسیده از میان برود. همواره در این خیال بودم که ثانیاً نقشه‌های مذکوره را از روی اصل آنها تجدید نمایم و تفصیل آنها را دو مرتبه بنگارم و به طبع رسانم تا کتابی شود مدون و از فیض آن خاص و عام را بهره کامل حاصل گردد...»

وی در سال ۱۳۱۰ هجری در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به تهیه‌ی دوباره‌ی نقشه‌ها و نوشتن متن کتاب پرداخت. در ابتدای کتاب فهرستی ارائه شده است:

«بعض بلوکات و قصبه‌جات فارس و بعض بلاد و شهرهای متفرقه که نامی از آنها در کتاب برده شده است. بعض از جبال فارس و غیره و قلاع آن - دریا و دریاچه و پل و بعض رودخانه و قنات و چشمه در فارس و غیره - فهرست بعض ابنیه و امکنه و آثار قدیمه و اشکال و نقوش در هر جا - در ذکر شیراز و متعلقات آن ملک جنت طراز - بعض از سلاطین قدیمه قبل از اسلام - بعض از سلاطین متقدمین و متأخرین که بعد از اسلام بوده و هستند - فهرست بعض از وقایع و حوادث مرقومه در کتاب - در ذکر بعض صحابه رضی‌الله تعالی عنہم - عرفای متقدمین و متوسطین و متأخرین که درک زمان ایشان نشده - حکمای قبل از اسلام و بعد از آن که درک زمانشان نشده - علما و ادبا، فصحا و بعض از شعرای عرب که درک زمان ایشان نشده، بعض از مجتهدین و علمای اعلام و ادبا که درک زمان ایشان شده، بعض از حکمای معاصرین که درک زمان ایشان شده - مطالب علمیه از حکمت و کلام و از هیأت و هندسه و نجوم و حساب و معانی و بیان غیرذالک - فهرست مطالب مختلفه متفرقه - چند نفر از شعرای عجم غیر اهل فارس به حروف تهجی - شعرای فارسی از شیرازی و غیره که متفرقه در کتاب است - ایضا بعض از شعرای شیراز و غیره که بر ترتیب ذکر شده از صفحه ۵۵۳ تا ۵۵۷ به حروف هجا - اشعار متفرقه مندرجه در کتاب از هر کس در مدح یا ذم اشیا و غیر ذلک به عربی یا فارسی - اشعار متفرقه در کتاب که از مؤلف است مانند قصیده و غزل و غیره...»

فرست‌الدوله در نقاشی‌های کتاب جزئیات و مشخصات بنا یا مکانی را بر روی کاغذ رسم کرده است. مقایسه نقاشی‌های او با بناهای باقی مانده، دقت عمل نقاش را مشخص می‌کند. حتی در این مقایسه تغییرات ایجاد شده روی بنا و آسیب‌های وارده بر بنا شناخته می‌شود. نقاشی‌های کتاب سندی

ارزشمند در تحول هنر نقاشی این سرزمین است.

تنوع مطالب کتاب به گونه‌ای است که آن را به صورت یک دایره‌المعارف جامع در مورد علما و فضلالی عصر خود، بناهای تاریخی آن روزگار و شرح وقایع دوران در آورده است. وی در این مورد می‌نویسد:

«... مطالبی را که در عرض راه سفر روز به روز هنگام برداشتن نقشه آثار قدیمه می‌نوشتیم و به هر مکانی که می‌رسیدم در اوراق متفرقه یادداشت می‌نمودم آنها را به عینه در این دفتر جمع‌آوری کرده مجموعه ساختم و آن را موسوم نمودم به آثار عجم. آن مطالب مذکوره متعلقه به نقش‌ها را پس از مراجعت از سفر که خواستم در این کتاب جمع آورم خوش ندانستم که تغییر و تبدیلی در آنها داده سخنی زیاد یا حرفی کم نمایم، چون که مطلب و مقصد اصلی به پرداختن عبارت از میان می‌رفت. لہذا از صاحبان بصیرت که ناظرین این نسخه‌اند معذرت می‌طلبم که چنان چه خطایی یا سهوی از خامه‌ی این فقیر سرزده باشد اغماض عین فرموده بر لغزشم خرده نگیرند زیرا که مطالب این کتاب را اکثر در دهات و بیابان‌ها می‌نگاشتم. خدای احد شاهد حال است که بسا مطالب ابنیه و آثار بعض جاها را با قلم مداد سواره مسوده می‌کردم در سرزمینی که نه لغت فارسی بود نه لغت عرب، نه نسخه تاریخ نه کتاب ادب.

در کتاب حدود پنجاه نقاشی همراه با طراحی دقیق از ابنیه و آثار تاریخی فارس و کرمانشاه و نیز دیگر نقاط ارائه شده است که با شماره‌گذاری هر یک و رقم زدن اسم خود در دایره‌ای بسته «نگارنده نقشه فرصت‌الدوله شیرازی غفرله» آنها را در کتاب متناسب با نقد و بررسی هر بنا آورده است:

آثار جلگه شیراز؛ نقشه نقش رستم، نقشه بند بهمن، نقشه بقعه جاماسب، نقشه چهار طاق، نقشه کوه تورج و خرمن کوه، نقشه قلعه وحید، نقشه‌دار بجر و صورت پوزش فیلیپ پدر اسکندر، نقشه مسجد سنگی داراب، نقشه آتشکده، نقشه منار و عمارت مخروبه فیروزآباد، نقشه آتشکده اعظم فیروزآباد، نقشه آثار سنگی تنکاب فیروزآباد، نقشه آثار غریبه دیگر صورت‌های داخل تنکاب، نقشه تخت جمشید به قانون مهندسی، نقشه عرصه تخت‌جمشید و عمارات و سده و دخمه‌ی آن، نقشه پله‌های تخت‌جمشید، نقشه دروازه ابوالهول، نقشه تخت‌جمشید، نقشه جدال پادشاه با حیوان، نقشه فروهر، نقوش پای عمارت چهلستون، نقشه درگاه شمالی صدستون، نقشه دخمه بالای تخت‌جمشید، سه مجلس از دخمه بالای تخت‌جمشید، نقشه اندرون دخمه بالای تخت‌جمشید، نقشه یک مجلس در نقش رستم، نقشه صورت شاپور نقش رستم، کعبه زردشت - نقش رستم، نقشه قلعه شکسته - قلعه استخر - قلعه اشکنوان، نقشه مشهد مادر سلیمان، نقشه بند عضدالدوله دیلمی، نقشه صورت‌های تنگ چوگان، نقشه تنگ چوگان - مجلس، نقشه مجلس بر کرسی نشستن شاپور، نقشه دخمه شاپور - مجسمه شاپور، نقشه کوه ده مرده، نقشه ایوان کسری، نقشه آثار قدیمه کرمانشاهان - طاق بستان، نقشه شکارگاه - طاق بستان از روی نقشه‌های سیاحان فرنگی، صورت زردشت و اردشیر و شاپور - از روی نقشه‌های سیاحان فرنگی، بیستون - مجلس از روی نقش‌هایی از سیاحان فرنگی، بیستون مجلس از روی نقش‌های سیاحان فرنگستان، نقشه بقاع متبرکه، حضرت امیر احمد شاه چراغ - سید امیر محمد، سید علاءالدین حسین.

فرست‌الدوله در سال ۱۳۳۹ دار فانی را وداع و جنازه‌اش در شمال آرامگاه حافظ نزدیک پلکان مزار خواجه به خاک سپرده شد.